

هو العليم

كلام امير المؤمنين عليه السلام در رابطه با حذاقت
رسول خدا در معالجة امراض روحى

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

أمیرالمؤمنین علیه السّلام در «نهج البلاغة»
خطبه‌ای دارد که در ضمن آن راجع به حذاقت رسول
خدا در معالجهٔ امراض روحی، جمله‌ای را بیان
میفرmaid که حقاً آن جمله، دربارهٔ قرآن و حذاقت آن
صادق است.

طِیْبٌ دَوَّارٌ بِطِیْبِهِ. قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ. وَ أَحْمَى
مَوَاسِمَهُ. یَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ؛ مِنْ قُلُوبٍ عُمَى،
وَ ءَاذَانٍ صُمِّ، وَ أَلْسِنَةٍ بُكِمَ. مُتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ،
وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ.

«رسول خدا صلّی الله علیه وآله وسلّم طبیبی بود
که در طبّ خودش دوّار بود. (یعنی زیاد دور میزد بر
روی مرض، و اقسام آن، و ارتباط امراض با هم؛ و
زیاد دور میزد بر روی دارو و درمان. و حکیم حاذق
و مطّلع به همهٔ جوانب مرض و تمام طرق درمان آن
بود.) که آنحضرت مرهمهای خود را خوب استوار
میساخت، و در عین حال آلهای داغ را برای
سوزاندن موضع فساد و زخمهای عفونی خوب داغ
میکرد و میگذاخت. و در اینصورت آن مرهمها را و

آن آلت‌های داغ‌کننده را بر جاهائی که لازم بود و نیاز به مرهم‌گذاری و یا داغ‌کردن بود، می‌نهاد.

مواضع مورد حاجت به مرهم‌نهادن و داغ‌کردن، دل‌هائی بود که کور شده بودند، و گوشهائی که کور شده بودند، و زبان‌هائی که گنگ و لال گردیده بودند. رسول خدا این داروهای خود را به مواضع غفلت و بیخبری، و موطن حیرت و سرگردانی میرسانید، و میکشانید تا بدانها برسد.»

دوا‌هائی که برای قلب‌های کور مفید است، دوا‌هائی است که فهم را باز میکند، و وجدان را بیدار مینماید. و آنچه برای گوش‌های کور مفید است، اِنذار و وعده، و موعظه، و تخویف و تحذیر، و ترغیب و تشویق؛ و آنچه برای زبان‌های لال مفید است، خصوص آن داروئی است که زبان را به ذکر خدا درآورد و آن لسان گنگ را گویا سازد. مرحوم ملاّ فتح‌الله کاشانی در «شرح نهج» فرموده است: «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَزْطِيبٍ دَوَّارٌ بِطِيبِهِ، نَفْسَ نَفِيسٍ خَوْذَ رَأْيِهِ ارَادَهُ نَمُودَهُ اسْت.» ولیکن از ظاهر سیاق، بعید است.

باری، روح مقدّس رسول الله که حقیقت قرآن
است؛ همانطور که طیبٌ دَوَّارٌ بطیبهِ است، قرآن
هم طیبٌ دَوَّارٌ بطیبهِ است که بشر را از امراض مهلکه و
خانمانسوز نجات میدهد